

اصول و اهداف ديپلماسی سياسي پيامبر اسلام از منظر قرآن کریم

خديجه احمدي بيغش^۱

چکیده

اسلام به عنوان مکتبی جامع و مشتمل بر آموزه‌های فرازمانی و فرامکانی به موضوع سياست خارجي به عنوان یک اصل اساسی توجه دارد. تبیین الگوهای رفتاری اسلام به طور عام و موضوع ديپلماسی سياسي به طور خاص در عالی‌ترین شکل آن در آموزه‌های قرآن کریم و سیره پيامبر گرامی اسلام تجلی دارد. اهداف ديپلماسی سياسي اسلام نظیر ابلاغ دين، تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه عدالت، نفي سلطه و دفاع از مظلومان و ... مبتنی بر یک سلسله بنیان‌های نظری برگرفته از آیات و سیره پيامبر اسلام شکل گرفت. به منظور دستیابی به این اهداف، دولت اسلامی پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم استراتژی‌های متعدد سياسي، ديپلماسی، اقتصادی، تبلیغاتی و دفاعی را با لحاظ کردن منابع قدرت در سياست خارجي و شرایط محیطی عصر ظهور اسلام مورد بهره‌برداری قرار دادند، که دقت در این زمینه به روش تحلیلی-توصیفی نشان می‌دهد دولت نبوی و شخص پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم به رغب مشکلات و چالش‌های فراروی موجود در جزیره العرب و خارج از آن توانست با در نظر داشتن رابطه دو مقوله هدف و سازوکارهای ديپلماسی سياسي خارجي و به کارگیری الگوهای رفتاری شایسته در این حوزه، اسلام را به فراسوی مرزهای عربستان گسترش داده و تمدن بزرگ اسلامی را پایه‌گذاری نمایند.

واژگان کلیدی: اصول، اهداف، ديپلماسی اسلامي، سياست، قرآن



فصلنامه
شماره اول / پاییز ۱۳۹۴

W

^۱ طلبه سطح چهار (تفسیر تطبیقی) عضو انجمن پژوهشگران موسسه آموزش عالی حضرت عبدالعظیم^ع و عضو انجمن نخبگان بسیج شهرستان ری

قرآن اصول روابط میان خودی و غیر خودی را بر احترام به حقوق انسان‌ها، مقام انسانیت، ارزش‌های انسانی و معنوی به‌ویژه عدالت بنانهاده است. در همان حال به بیان خطوط قرمزی اشاره دارد تا زمینه عزت و افتخار و در واقع هویت جامعه اسلامی حفظ شود.

اسلام با حفظ احترام متقابل نسبت به ادیان و پیروان آنان به هیچ‌کس اجازه تجاوز به ارزش‌های خود را نمی‌دهد. کرانه‌مندی ارتباط جامعه اسلامی با دیگر جوامع اعتقادی این امکان را می‌دهد تا جامعه اسلامی از خطر نابودی در امان باشد. این حساسیت از آن‌رو مهم است که هویت جامعه در صورت تجاوز از حدود، نه تنها دچار چالش و بحران‌های درونی می‌شود بلکه زمینه برای سقوط و تجاوز برونی را نیز فراهم می‌آورد.

با توجه به اینکه دیپلماسی، اجرای سیاست خارجی دولت در حوزه‌های مختلف (سیاسی، نظامی، فرهنگی و...) است، روابط دیپلماتیک، وسیله اجرای سیاست خارجی می‌باشد و دیپلمات مجری روابط خارجی دولت است.

فرشتگان و انبیا نخستین پیام‌آوران الهی نزد انسان‌ها بوده‌اند و شاید نخستین دیپلمات‌ها نیز محسوب شوند.

در قرآن کریم اسامی بیست‌وهشت تن از انبیا الهی نام برده شده است که هر کدام از آن‌ها برای اقامه دستورات الهی در سراسر گیتی شیوه خاصی داشته‌اند ولی با توجه به اینکه دین اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی است و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران می‌باشند، از این‌رو کامل و جامع‌ترین دیپلماسی سیاسی نیز همان سیاست‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌باشد.

منظور از دیپلماسی در اسلام، فعالیت‌هایی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به‌عنوان رئیس حکومت و سفرای او در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... داشته‌اند و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان دولت‌های غیرمسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام داده‌اند.

دین مبین اسلام از همان آغاز بعثت پیامبر اعظم مبنای دستورات و قوانین و اساس دعوت به توحید خود را بر پایه‌ی علم و عقل گذارد و با توجه به اینکه در اسلام دین از سیاست جدا نیست، در ارتباط کشورهای اسلامی با دیگر کشورها و اقوام از روش چانه‌زنی، استدلال منطقی و عقلایی، و به زبان امروزی، «دیپلماسی» استفاده نمود است.

سیزده سال دعوت پیامبر اعظم در مکه‌ی معظمه با آن سختی‌ها و مرارت‌ها حکایت از تولد روش و اصول جدید دیپلماسی در جهان بعد از بعثت ایشان دارد.

دستور به جهاد و آیات مربوط به آن، چند سال بعد از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه منوره صورت گرفت؛ بدین معنا که آخرین راه دیپلماسی در اسلام جهاد است و نه اولین و سهل‌ترین راه.

اسلام نه تنها بر برخی از قوانین دیپلماسی و رفتار سیاسی رایج و متداول آن روزگار صحه گذارد، بلکه اصولی متقن و الهی جهت اعتلای انسان و فهم دستورات قرآن کریم بر آن‌ها افزود که بسیاری از آن‌ها معیار منشور حقوق بشر در جهان است و اجرای این اصول متقن و الهی در سایه مفروض انگاشتن اندیشه رابطه دین و سیاست ممکن است.

سیاست در لغت و اصطلاح

قبل از تعریف سیاست باید گفت که هرگونه تعریفی از سیاست ارزش نسبی داشته و تمام مفاهیمی که از سیاست وجود دارد، حاوی قسمتی از واقعیت است.

سیاست- «سیاسة» در لغت عبارت است از: اداره کردن امور مملکت، مراقبت امور داخلی و خارجی، اصلاح امور خلق، رعیت‌داری، مردم‌داری، پلتیک به معنی مصلحت‌دان و با تدبیر، در فارسی به معنی عقوبت و مجازات هم می‌گویند. (عمید، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۵۶)



همچنین به معنای حکم راندن ریاست کردن، تدبیر، ریاست، داوری، حفاظت، حراست و تنبیه نیز به کار می‌رود. (ابو‌الحمد، ۱۳۶۸، ص

السِّيَاسَةُ: القيام على الشيء بما يصلحُه: سیاست اقدام برای سامان دادن چیزی به‌وسیله‌ی اموری است که آن را اصلاح کند و سامان بخشد. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۲۹)

سیاست را در اصطلاح یعنی تدبیر هوشمندانه و جامع برای اجرای عدالت و حفظ کشور و افراد آن به‌منظور جلوگیری از فروپاشی و بی‌نظمی و نابسامانی داخلی و خارجی و به کار گرفتن صحیح و آگاهانه عوامل رشد و تکامل و استفاده از اهرم‌های نیرومند برای نابودی عوامل ضد تکامل است. البته چنین کاری در پرتو حکومت عادلانه و شناخت ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به دست می‌آید.

سیاستمدار کسی است که: توان اداره‌ی مملکت و مردم را داشته باشد، زیرک و باهوش باشد و مسائل داخلی و خارجی را بشناسد؛ دشمنان را شناسایی کند و برای جلوگیری از ضربه‌ی آنان، پیش‌بینی نماید. با تدابیر هوشمندانه، اقدام به برنامه‌ریزی جامع در راستای پاک‌سازی و بهسازی جامعه کند و بتواند مواهب و امکانات کشور را به نفع مردم، به کار گیرد. (عبدوس، ۱۳۸۶، ص ۳۳۷)

سیاست در اسلام بخشی از منظومه منسجم اندیشه اسلامی تلقی می‌گردد و رویکرد مسلمانان به آن 'ریشه در وحی' سنت و سیره معصومین علیهم السلام دارد.

«سیاست از دیدگاه اسلام: عبارت از مدیریت حیات انسان‌ها - چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی - برای وصول به عالی‌ترین هدف‌های مادی و معنوی است.» (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۸)

همچنین «سیاست همان هدایت دینی جامعه از طریق اصلاح خلق در بعد وسیع است.» (خمینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۸۷ - ۳۸۸)

بر این اساس مبانی سیاست حاکم بر نظام توحیدی عبارت‌اند از: ولایت الهی، اطاعت از رهبران شایسته (پیامبر و جانشینان آن)، مشروط بودن اطاعت از رهبران، سلطه ناپذیری و عزت و کرامت انسانی، تأکید بر ایمان و تقوای الهی به‌عنوان رمز عزت و کرامت، جلب مشارکت مردمی و پرهیز از خودکامگی و دیکتاتوری، عدالت‌جویی و ظلم‌ستیزی، ایمان به اصالت ارزش‌ها در قالب امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد تحول و دگرگونی در فرد و جامعه، ستیز با استکبار و سازش‌ناپذیری در مقابل ستمگران، استقلال‌جویی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی)، حق‌گرایی و انتقادپذیری، هوشیاری در برابر بیگانگان، صلح‌خواهی و امنیت‌جویی، حاکمیت ضابطه، فقرزدایی و تعدیل ثروت، همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس محبت و رحمت.

دیپلماسی در لغت و اصطلاح

یکی از رایج‌ترین اصطلاحات سیاسی، دیپلماسی است.

کلمه دیپلماسی از ریشه یونانی دیپلوما (diploma) گرفته شده که در اصل به معنی صفحه یا هربرگ لوله یا تا شده است که به‌موجب آن عنوان یا امتیازی به کسی داده می‌شود. از همین ریشه کلمات دیپلماسی و دیپلمات و دیپلماتیک ساخته شده است. دیپلماسی را در اصطلاح می‌توان روشی مسالمت‌آمیز که از طریق گفتگو و مذاکره برای حل‌وفصل و پیشبرد اهداف در حوزه خارجی انجام می‌پذیرد؛ تعریف نمود. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت: دیپلماسی تکنیک‌ها و تدابیر عملی و اجرایی است که یک دولت با توسل به آن منافعش را در خارج قلمرو خود دنبال می‌کند.

صفت دیپلماتیک به‌طور معمول به روابط دو دولت اشاره دارد. وقتی اهداف و خط و مشی یک دولت در سیاست خارجی معین شد دولت آن را به‌وسیله روابط دیپلماتیک و مأموران دیپلمات خود اجرا می‌کند. (عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۲، ص ۲)

با توجه با این تعاریف، سه نکته قابل توجه است:

اول اینکه دیپلماسی در امور مربوط به سیاست خارجی دولت است نه امور داخلی آن. دوم دیپلماسی از طریق گفتگو و مذاکره یعنی از طریق مسالمت‌آمیز چهره می‌نماید و زور در آن جایی ندارد. سوم اینکه دیپلماسی روشی برای حصول نتیجه و هدف مورد نظر است. به این



جهت در مفهوم کلی، دیپلماسی خوب، اصولاً مطرح نیست. ممکن است بهترین مقاصد با یک دیپلماسی نامناسب از بین برود یا برعکس هدف نامشروعی به وسیله یک دیپلماسی خوب و صحیح حاصل شود.

در دیپلماسی اسلامی روش‌ها، تکنیک‌ها و تدابیر عملی و اجرایی همگی می‌بایست منطبق بر اصول اسلامی باشد که در ادامه به این اصول اشاره خواهیم نمود.

جغرافیای سیاسی جهان در عصر ظهور اسلام

در اسلام سیاست خارجی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و رفتارهای عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد؛ و ضمن به رسمیت شناختن مرزهای جغرافیایی، مرزهای عقیده را نیز مدنظر دارد. در اسلام دستورهایی وجود دارد که همه پیروان آن باید از آن فرامین پیروی نمایند چه در کشور اسلامی زندگی کنند و چه در کشور غیر اسلامی.

لذا با وجود اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در جزیره العرب می‌زیست و سرزمینی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنجا برخاست دارای تضاد طبقاتی و حاکمیت اشراف قبیله‌ای و انحراف در پرستش بود، اما مسائل جوامع دیگر دنیای آن روز نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی حاکم بر آن آماده پذیرش دین و اندیشه جدید بوده و برابری و پرستش خدای واحد را مطرح می‌کرده است و آن آیین جدید اسلام بود.

حکومت‌های عصر ظهور اسلام عبارت بودند از:

الف. دولت‌های ایران و روم شرقی: ایران در آن زمان تحت اداره ساسانیان قرار داشت. مذهب رسمی آن مجوسی بود. موبدان از جایگاه بلندی در دولت برخوردار بودند. مسیحیان گروه اقلیتی بودند که در سایه نظام ساسانی زندگی می‌کردند. شاهان ایرانی با امپراطوری روم روابط نیک برقرار نموده بودند. از این‌رو مسیحیان ایرانی نیز در زندگی صلح‌جویانه‌ای به سر می‌بردند اما بعد از یورش اسکندر سیاست‌مدار و سردار رومی به ایران که در زمان پادشاهی اشکانیان آغاز و تا پایان دوران ساسانیان ادامه یافت؛ با تیره شدن روابط ایران و روم این مناسبات با مسیحیان ایرانی برهم خورد و مورد آزار قرار گرفتند.

امپراطوری روم شرقی شامل یونان، ترکیه کنونی، شام، فلسطین، مصر و قسمت‌هایی از آفریقا و کشورهای غربی اروپا تا اسپانیا می‌گردید.

ب. دولت‌های منطقه: این دولت‌ها شامل دولت‌های زیر می‌شدند:

۱- دولت مصر: مصر یکی از دولت‌های مقتدر زمان ظهور اسلام بود که چند قرن سابقه در حکومت‌داری داشت و از طریق دریای سرخ با عربستان در ارتباط بود. مقوقس اداره مصر را در زمان پیامبر به عهده داشت.

۲- دولت یمن: یمن در ناحیه جنوب عربستان و جنوب حجاز، نجد و عروض قرار داشت و اقیانوس هند در جنوب و دریای سرخ در مغرب آن واقع شده بود. یمن یکی از مناطق حاصل خیز آن روز محسوب می‌گردید. به دلیل باران‌های موسمی و آب‌وهوای معتدل، از رونق اقتصادی، تمدن و آبادانی قابل توجهی برخوردار بود.

تاجران یمن اروپای قدیم را با آسیا به هم وصل می‌ساختند. ابتدا مسیحیت توسط حکومت حبشه در این منطقه ترویج گردید اما وقتی ذونواس در قرن ششم به یهودیت گرایش پیدا کرد مسیحیان دچار سخت‌گیری‌های شدیدی از سوی حکومت گردید و تعدادی هم به دستور ذونواس کشته شدند.

۳- دولت حیره: حیره در حدود صحرای شام و در سه کیلومتری کوفه قرار داشت. ساکنین آن را مهاجرانی تشکیل می‌دادند که بعد از خرابی سد مأرب در آنجا موطن گزیده بودند. حیره از لحاظ سیاسی تابع ایران بود و پادشاهان آن توسط امپراطوری ایران تعیین می‌گردید. از لحاظ فرهنگی و اجتماعی روابط عشیره‌ای و قبیله‌ای بر آن حکومت می‌کرد. دولت حیره سال‌های زیادی با غسانی‌های (شرق اردن امروز) متحد روم در جنگ بود.



۴- دولت حبشه: حبشه در غرب دریای سرخ واقع شده بود. مذهب رسمی مسیحیت داشت و از امپراطوری روم پیروی می کرد. اقوام مختلفی در حبشه به صورت پراکنده زندگی می کردند و دولت‌های محلی را به وجود آورده بودند که از دولت مرکزی که تحت اداره نجاشی‌ها بود اطاعت می کردند و مالیات می پرداختند. حبشی‌ها چند بار دولت یمن را به تصرف در آوردند اما وقتی به مکه حمله بردند شکست خوردند. (برگرفته از: شهیدی، ۱۳۷۱ ص ۶ و ۲۲)

ج. **قبیله‌های جزیره العرب:** قبیله، گروهی از خانواده‌های خویشاوندی بود که به دلیل رابطه نسبی و سببی و انگیزه زندگی مشترک در این سرزمین گرد هم آمده و تحت ریاست شیخ قبیله که معمولاً کهن‌سال‌ترین و یا مقتدرترین عضو قبیله است، طبق یک سلسله رسم‌ها و سنت‌ها و مقررات عرفی مشترک، اداره می‌شد. هر قبیله به صورت یک جامعه بود. حاکمیت در قبیله، در قدرت و نفوذ شیخ و رئیس قبیله خلاصه می‌شد. رئیس قبیله مسئولیت و اختیارات اجرایی را آن‌چنان‌که در نظام‌های سلطنتی متعارف است بر عهده داشت. عقد پیمان، اعلان جنگ، مجازات متخلفین، پذیرایی از تازه واردین و ارسال پیام و مذاکره با رؤسای دیگر قبایل به عهده شیخ قبایل بوده است. قبایل در زمان پیامبر حیثیت دولت را داشتند و از لحاظ روابط، تابع رفتارهای سنتی و قبیله‌ای بودند.

اصول دیپلماسی سیاسی در قرآن

بر اساس آیات قرآن کریم، خطوط کلی دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به عنوان اولین حاکم نظام سیاسی اسلام، ملزم به رعایت آن هستند عبارت‌اند از:

۱- پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها: «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد پیامبر او پیمانی تواند بود؟! مگر آنان که نزدیک مسجدالحرام با آنان پیمان بستید، پس تا هنگامی که بر پیمان شما استوار و پایدار ماندند شما نیز بر پیمان آن‌ها استوار و پایدار بمانید، که خدا پرهیزگاران را دوست دارد.» (توبه/ ۷)

در این آیه خداوند مؤمنان را به پایبندی نسبت به عهد و پیمان خود، مادامی که مشرکان به پیمان خود باشند، دعوت می‌کند و این پایبندی و تعهد را زمینه تقوا و پرهیزگاری می‌داند.

«وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ - وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَّضُوا عَهْدَهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَارًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (نحل/ ۹۱-۹۲)

در این آیه استحکام پیمان‌ها را دلیل ایمان دانسته و مسئله وفای به عهد را یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌ها برای ثبات هر جامعه و ابزار آزمایش الهی به شمار آورده است.

«... وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/ ۳۴)

پرسش از وفای به عهد و پیمان‌ها، از سؤالات قیامت است. البته مراد از عهد و پیمان در اینجا، آن دسته از عهد و پیمان‌های سیاسی و اجتماعی اسلام است.

۲- التزام به عدالت و نظم عادلانه‌ی بین‌المللی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/ ۸)

این آیه التزام به عدل را، نزدیک‌ترین رکن به پرهیزگاری می‌داند.

۳- احترام به حقوق بی‌طرفان در جنگ و مخاصمات بین‌المللی: «إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يِقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمَّ يِقَاتِلُوكُمْ وَ اَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء/ ۹۰)



این آیه اشاره به عدم تعرض به حقوق کسانی دارد که پیشنهاد صلح داده و پیکار نکرده‌اند.

۴- صلح و دوستی و قبول پیمان‌های صلح‌جویانه: **وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** (انفال / ۶۱)
در صورت قبول صلح و پیمان، بر آن پایدار بوده و بر خداوند توکل شود.

۵- اجتناب از توسعه‌طلبی و تجاوز در جهان و مبارزه با عاملان استکبار و کمک به ملت‌هایی که برای رهایی خویش با استکبار مبارزه می‌کنند. **«لَكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»** (قصص / ۸۳)
پرهیز از استکبار و برتری طلبی فرجام پرهیزگاران است.

۶- رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز با ملت‌هایی که در اندیشه‌ی دشمنی نیستند: **«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»** (ممتحنه / ۸)

رفتار دوستانه حتی با کفران، موجب جلب محبت الهی می‌شود. خداوند با این فرمان که شما را از دوستی دشمنان خدا نهی نمود، نخواست است شما را از احسان و معامله به عدل با کسانی که در دین با شما مبارزه نکرده و شما را از دیارتان بیرون نرانده‌اند، نهی کرده باشد، چون احسان به این‌ها، عدالتی از جانب شماست و خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد. (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۴۰۰)

۷- رفتار متقابل و منصفانه با دولت‌هایی که در روابط خود امانت و عدالت و انصاف را رعایت می‌کنند: **«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»** (الرحمن / ۶۰)

آدمی، آنگاه به احسان و پاداش حق دست می‌یابد که خود، اهل احسان و عملکرد نیک باشد.

۸- مقابله به‌مثل با متجاوزان و تجاوز نکردن از حد معقول: **«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»** (بقره / ۱۹۴)

ستم کردن امری نکوهیده و مذموم است، اگر ابتدایی باشد و نه در جهت مقابله با دشمنان ستمکار، اما زمانی که برای مقابله باشد نه تنها مذموم نیست، بلکه برای تعالی از ذلت و پستی بوده و باعث ارتقاء از حضيض بندگی است، اما مسلمین نباید از جاده اعتدال منحرف شده و در انجام امر الهی خود، ستمکارتر از دشمن شوند زیرا کیفر بدی، مجازاتی همانند آن است.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان چنین بیان کرد که اصول کلی دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام و آنچه که از فرامین الهی استنباط می‌شود بدین قرارند:

الف) اصل توحید

اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به‌خصوص اسلام است و محوری‌ترین اصل، سیاست خارجی دولت اسلامی است.

از این رو قرآن کریم در آیه ۳۳ فصلت زیباترین سخن و رفتار دیپلمات را دعوت به‌سوی خدای یگانه و عمل صالح و اعلان هویت اسلامی خود می‌داند: **«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»**

و بر این اساس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز دعوت خویش را از توحید شروع کرد و توحید، هدف اصلی سیاست خارجی آن حضرت قرار گرفت.

همچنین در نامه‌هایی که ایشان به پادشاهان آن روزگار نوشته‌اند، قبل از هر چیز، آن‌ها را به توحید دعوت کرده و در بیشتر نامه‌های خود به سران مسیحی به این آیه‌ی شریفه اشاره می‌فرمایند که: **«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا؛ بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید. که به جز خدای یکتا هیچ‌کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم.»** (آل عمران / ۶۴)





اصل توحید، اعتقاد بر این است که خالق و آفریننده انسان و جهان و همه عوامل موجود در آن تنها ذات باری تعالی است و انسان تنها در برابر او باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد. به همین جهت در دیپلماسی سیاسی با توجه به اصل توحید، از زیر سلطه قرار گرفتن هر کس به جز خداوند و فرستادگانش به شدت نهی شده است.

تنها با تکیه بر شعار لاله‌الله‌لااله‌الله که مبتنی بر این اصل و معیار روابط خارجی است می‌توان مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را درهم شکست.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ایجاد روابط با قدرت‌های غیرمسلمان داخل و خارج از شبه‌جزیره، اولین هدف را در بسط و گسترش اندیشه‌های اسلامی در راستای آشنایی دیگر قبایل و در افقی دورتر ملل مختلف با اسلام نهاده لذا با توجه به بعد جهانی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرکت به سمت پذیرفتن اسلام و جهانی‌شدن تدریجی اسلام از اهداف راهبردی ایشان بوده است.

این رسالت جهانی در آیات مختلف قرآن به آن اشاره شده است که تعدادی از آنان اشاره می‌کنیم:

قرآن مجید آیه ۱۵۸ سوره اعراف می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِّتُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ: بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن اوست معبودی جز او نیست زنده می‌کند و می‌میراند پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش».

همچنین در آیه ۱۰۷ سوره انبیا می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ: (ای پیامبر) تو رحمتی هستی که به سوی همه جماعت‌های بشری فرستاده شده‌ای چون برگزیدن و عمل به دین تو تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت ایشان است و از جهت آثار حسنه‌ای که در نتیجه قیام تو، به دعوت حق در جوامع بشری واقع شد، برای اهل دنیا رحمت هستی و این مطلب وقتی آشکار می‌شود که انسان وضع جوامع بشری را قبل از ظهور اسلام با بعدازآن مقایسه کند.

علاوه بر مناطق بسیار وسیعی که امروز در شرق و غرب و شمال و جنوب عالم در قلمرو اسلام قرار گرفته، و هم‌اکنون پنجاه‌وهفت کشور اسلامی با جمعیتی حدود یک و پانصد و هفتادوپنچ میلیارد نفر زیر پرچم اسلام قرار دارند، و زمانی فرا خواهد رسید که همه جهان رسماً در زیر این پرچم قرار می‌گیرد، و این امر به وسیله قیام حضرت مهدی (عج) تکمیل می‌گردد.

ب) اصل عدالت

در اسلام تبعیض به هر نوع آن مردود شمرده شده است. اصل عدالت تمام فروع آیین اسلام را در بر می‌گیرد از دیدگاه اسلام نظام هستی بر اساس حق و بر محور عدل استوار است و به‌عنوان یک واقعیت جاودانه، قرآن کریم فلسفه بعثت و نهضت‌های انبیاء الهی را این اصل کلی بیان می‌کند که پیامبران آمدند تا عدل و دادگری و قسط و انصاف بر نظام زندگی انسان‌ها و جوامع سایه بگستراند و مردم برای عدالت به پا خیزند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵)

همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

همچنین در معاهده‌ای که میان مهاجرین و انصار و یهودیان مدینه این موضوع به‌خوبی به نظر می‌رسد خصوصاً در آنجا که آمده است: «وَإِنَّهُ لَمَّا يَأْتُمُّ امْرُؤٌ بِحَلِيفِهِ وَإِنَّ النَّصْرَ لِلْمَظْلُومِ؛ هیچ‌کس را به گناه هم پیمانش نمی‌گیرند و همواره باید مظلوم را یاری داد.» (ابن هشام، ۳۶۸-۳۷۰/۱۲)

تبیین فضیلت عدالت و زشتی و نکوهش ظلم، نشانگر این واقعیت است که مسئله عدالت همچون توحید در تمامی اصول و فروع و ابعاد عقیدتی و عملی دین ریشه دوانده است.

قرآن کریم در آیات بسیاری ضمن مشروع دانستن روابط بین‌المللی، مسلمانان را از داشتن روابط حسنه بر اساس قسط و عدالت نسبت به کفاری که ستم‌پیشه و تجاوزکار نباشند باز نمی‌دارد: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/ ۸)

همان‌طور که از این آیه برمی‌آید احسان و اصل عدالت در مواجهه با ملل غیر اسلامی که محارب با امت اسلامی نیستند مورد تأیید قرار می‌گیرد.

همچنین خداوند در آیه ۸ و ۹ سوره مائده می‌فرماید با دشمن نیز نباید بی‌عدالتی کرده و ستم روا داشت: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِيَّاهُمْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/ ۹-۸)

مسئله عدالت در فرد فرد مسلمانان و جوامع اسلامی اثر می‌گذارد و وقتی به مرحله اجرا درآید، می‌تواند مسلمانان را به سوی مدیریت صحیح در کارها، و برافراشتن پرچم عدل و داد، نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در کل جهان سوق دهد. اهمیت این موضوع به حدی است که هیچ چیز نمی‌تواند مانع آن گردد، و هرگونه انحراف از آن متابعت از هوای نفس است، و این عدالت به‌طور کامل در سایه اجرای تعالیم اسلام امکان‌پذیر می‌شود.

عدالت باید به‌عنوان زیربنا و اصل اساسی در روابط متقابل بین مسلمانان و دیگران باشد؛ چراکه یک جامعه پیشرو، سربلند و قوی، جامعه‌ای است که پیوند و ارتباطش با دیگران، بر اساس عدالت و منافع متقابل باشد، همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ نه ستم کنید و نه زیر بار ستم روید.» (بقره/ ۲۷۹) هرگاه حکومت‌ها از این اصل اساسی غفلت کرده یا به آن پشت پا زده‌اند، باعث تباهی خود و دیگران شده‌اند و هرگاه به آن اصل پای‌بند بوده‌اند از عزت و سربلندی برخوردار بوده‌اند.

عدالت و احقاق حقوق همیشه پایمال شده محرومان و مستضعفان و پیکار مداوم با صاحبان زر و زور، همواره مهم‌ترین دغدغه‌های انسان‌های وارسته و بلندنظری است که می‌خواهند با همه وجود، عدالت و انسانیت را در جوامع بشری، جاری کنند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم با هدف تکمیل و تقسیم مکارم اخلاقی، اجرای عدالت را سرلوحه رسالت خویش قرار داد و مساوات و برابری و اخوت را محقق ساخت، اما فقط به جنبه اخلاقی و نصیحت و دعوت ایمانی بسنده نکرد، بلکه موجبات کینه‌ها و حسدها و انتقام‌جویی‌ها، یعنی تبعیضات حقوقی را از بین برد و وحدت و یگانگی اجتماعی را در جامعه‌ای متوازن به وجود آورد. (مطهری، بی‌تا، ص ۱۱۹)

ج (اصل نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از اصول مهم حاکم بر دیپلماسی سیاسی اسلام محسوب می‌شود. این اصل بر تمام مسائل روابط خارجی و بین‌الملل اسلام در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و... حاکمیت دارد و تمامی آن‌ها می‌بایست بر اساس آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء برنامه ریزی و کنترل گردد. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خدا هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.»

بر اساس این قاعده هرگاه کشف شود قراردادی که میان مسلمانان و کفار منعقد گردیده، به زیان جامعه اسلامی بوده و با حيله همراه است، این قرارداد خودبه‌خود لغو می‌گردد.

این قاعده راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف را مسدود می‌کند. عدم تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی، عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و ... در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حوزه سیاست خارجی، عدم پذیرش سلطه، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است. بنابراین قاعده نفی سبیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶)

بدون تردید مفهوم چنین اصلی مبین اصل عزت اسلامی در روابط خارجی مسلمانان است و علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیه السلام نیز آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. در همین راستا رسول گرامی اسلام می‌فرمایند: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه؛ اسلام علو و برتری می‌یابد و هیچ چیز بر او علو و برتری نمی‌یابد.» (صدوق، ص ۲۴۳)



این حدیث در واقع نه تنها نشان دهنده علو اسلام است بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هرگونه اعتدالی بیگانگان بر مسلمانان را نیز نفی می‌نمایند

حفظ سیادت اسلام و جامعه اسلامی از جمله وظایف مسئولان نظام اسلامی است که نقض آن از حدود اختیارات مسلمین خارج بوده و بر اساس «قاعده نفی سبیل» حتی تعهدات بین‌المللی نیز نمی‌تواند ناقض آن باشد. بنابراین دادن هر نوع امتیاز سیاسی، اقتصادی، نظامی، قضایی و اجتماعی به غیرمسلمانان که به سیادت اسلام و جامعه مسلمین لطمه وارد آورد، بی‌ارزش و بی‌اعتبار خواهد بود.

قرآن در این زمینه به مسلمانان هشدار می‌دهد که: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؛ هان ای مؤمنین، غیرمسلمانان را دوست مخصوص و محرم اسرار خویش نگیرید، زیرا آنان از فساد و تباه نمودن امور شما کوتاهی نمی‌کنند و هر چه را که باعث رنج و زحمت شما گردد دوست می‌دارند، عداوت و کینه از زبانشان هویدا گشته و آنچه که در دل کتمان نموده‌اند بیش از این‌ها است، ما نشانه‌ها و دلایل را بر شما روشن نمودیم، اگر شما تعقل نمایید.» (آل عمران/ ۱۱۸)

وقتی دوست گرفتن افراد غیرمسلمان این چنین نتایج ناگوار به بار آورد و فرصتی به آنان دهد که در تباه نمودن کارها و افساد امور بکوشند و توطئه‌های خصمانه به راه اندازند و در شرایط سخت، از تأیید و ایجاد عوامل ناراحت کننده دریغ نوزند، و با وجود کوشش در کتمان نمودن تضاد فکری و کینه و نفرت، به‌طور ناخودآگاه زبانشان به کینه‌توزی و بدگویی باز شود، نتایج و آثار سیادت و تسلط آنان بر مسلمین و تصدی مقامات دولتی و سیاسی و نظامی و اقتصادی از طرف غیرمسلمانان، چگونه خواهد بود؟

برخی آیات قرآن کریم اتکای مسلمانان به کافران و دولت‌های غیراسلامی را برای دست‌یابی به عزت و شوکت دنیوی زشت شمرده و یادآور شده‌اند که عزت همه از آن خدا و رسول و مؤمنان است، در آیه‌ای آمده است: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا - الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمُ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ منافقان را به عذابی سخت بشارت ده، کسانی که کافران را دوست گرفتند و مؤمنان را رها ساختند، آیا در همنشینی آنان عزت می‌جویند [نادرست اندیشیده‌اند]، عزت همه از خداست.» (نساء/ ۱۳۹-۱۳۸)

این آیات به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شؤون زندگی اعم از شؤون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و مانند آن، در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، زیرا هر روز که منافع آن‌ها اقتضا کند فوراً صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند که گویی هرگز با هم آشنایی نداشتند!

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ یهودیان و نصارا هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر آن‌که از آیین آن‌ها پیروی کنی.» (بقره/ ۱۲۰) علت نهی قرآن از دوستی نزدیک با یهود و نصاری این است که تبعیت از آرا و روش آن‌ها، هم شکل شدن با آن‌ها را به دنبال دارد که با عزتمندی مسلمانی سازگار نیست. زیرا امتیازخواهی آنان پایانی ندارد و آن‌ها جز به دست برداشتن مسلمانان از آئین خود راضی نخواهند شد.

بنابراین وقتی قرآن کریم دوستی خصوصی و بی‌پرده مسلمانان با افراد غیرمسلمان را مضر دانسته و آن را، شایسته جامعه اسلامی نمی‌بیند و صریحاً از آن منع می‌کند، بی‌شک نسبت به سپردن امور عامه مسلمانان به دست غیرمسلمانان و تفویض مقام‌هایی که موجب سلب سیادت مسلمانان و یا تسلط آنان بر مصالح و مقدرات جامعه اسلامی می‌گردد، منع شدیدتر و حساسیت بیشتری خواهد داشت.

حفظ سیادت اسلام و جامعه اسلامی از جمله وظایف عمومی که نقض آن از حدود اختیارات مسلمانان خارج بوده و تعهدات بین‌المللی نمی‌تواند ناقض آن باشد. از اینرو در قراردادهای بین‌المللی که مسلمانان امضا و تصویب می‌نمایند، باید اصل سیادت محفوظ بوده، به‌عنوان یک اصل ثابت منظور گردد و هر نوع شرایط و تعهداتی که در این قراردادها با این اصل منافات داشته باشد، از نظر اسلام فاقد ارزش بوده، از درجه اعتبار ساقط است.

اصل نفی سبیل علاوه بر این که در روابط خارجی مورد توجه بوده، در عرصه عملی نیز با جلوه‌های خاصی همراه بوده است؛ فتوای تاریخی میرزای شیرازی در تحریم تنباکو و مخالفت امام خمینی (ره) در مورد قرار داد کاپیتولاسیون، از نمونه‌های نفی سبیل عملی در تاریخ معاصر



است. ایشان با اهتمام جدی بر این اصل، هر نوع روابط و قرارداد بین‌المللی که منجر به نقض این اصل و نادیده انگاشتن آن گردد بی اعتبار دانسته و انعقاد چنین معاهداتی را تحریم می‌کند؛ از این رو اصل نفی سبیل فراتر از یک نظریه سیاسی، امری لازم الاجرا در روابط خارجی است. (خمینی، روح الله، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۵، مسائل ۴ و ۵ و ۶)

(د) اصل دعوت

دعوت، از احکام منصوصه‌ی اسلام و جزء ضروریات دین است و ریشه در چشمه‌ی زلال وحی دارد و از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف رسالت انبیای الهی، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، محسوب می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امر می‌نماید:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل/۱۲۵)

فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ (شوری/۱۵)

در اسلام مرز جغرافیایی مطرح نیست چراکه اسلام بر تقوا استوار است و تنها قانونی که پیروی از آن لازم است قانون الهی می‌باشد. دین اسلام برای این آمده است که جامعه را در سیر تکاملی اش هدایت نماید. به باور این آیین الهی، جامعه زمانی به سعادت می‌رسد که در مسیر فطرت و عقل حرکت نماید در چنین فرضی است که "امت واحده" به وجود می‌آید.

برای دست یابی به امت واحده نیاز است تا پیامبر حرکت خویش را از مکه و مدینه آغاز نماید. سفیران را به خارج از جزیره العرب اعزام کند و مبتنی بر این اصل اساسی روابط بین‌الملل را ساماندهی کند.

در اسلام، اصل دعوت به‌عنوان یکی از اصول اساسی مورد تأکید است و خداوند متعال در یکی از آیات قرآن کریم به پیامبر این اصل را چنین معرفی می‌نماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران/۶۴)

اصول و شیوه‌های دعوت در اسلام شامل موارد زیر بود:

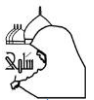
۱- **تقدم دعوت بر جنگ:** رفتار سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حوزه‌ی سیاست خارجی مبتنی بر دعوت بوده و این شیوه‌ی رفتاری در آغاز رسالت و پس از مهاجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی نیز ادامه داشته است. (ابن هشام، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۲۱۶). برای رسیدن به اهداف اسلام، بهترین راه این بود که نخست از اصل دعوت استفاده نماید. و حرباً قدرت در مرحله بعد قرار داشت. کسانی که با دعوت، به اسلام ایمان آورده بودند از ایمان راسخی برخوردار بودند.

۲- **قاطعیت:** پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ گاه در برابر اصول ثابت خویش در دیپلماسی سیاسی از خود ضعف و دو دلی نشان نداد. وقتی او خواستند که دست از دعوت خود بردارد، پیامبر در جواب فرمود: «به خدا اگر خورشید را در دست راست من بگذارند و ماه را در دست چپ من قرار دهند، دست از این کار نخواهم کشید تا اینکه در این راه کشته شوم یا اینکه خداوند مرا نصرت داده و بر آنان غالب آیم.» (سیره النبی، ج ۱، ص ۲۷۸ / تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۶۷)

شاید این پرسش مطرح شود که این موضوع با اصل دیپلماسی سازگاری ندارد در جواب می‌گوییم: نخست این که پیامبر از قدرت برخوردار بود. و با این وجود نیاز ندارد که از خود ضعف نشان دهد و قاطعیت نداشته باشد. و دیگر این که پیامبر به اصولی پایبند است که نمی‌توانست آن اصول را نادیده انگارد؛ مثل اصل توحید و نبوت. لیکن در کنار این، انعطافی هم داشت که باعث جلب توجه مخالفین می‌گردید.

۳- **انعطاف:** یک از شیوه‌های رایج در دیپلماسی قرآن، دعوت توأم با انعطاف و ملایمت بود و حتی یکی از علل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دل دیگران، رفتار سیاسی منصفانه‌ی آن بزرگوار بود: **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتُّوا لَافْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ.** (آل عمران/۱۵۹)

مصلحت در اسلام یک اصل می‌باشد. هر جا که مصلحت اسلام ایجاب کند از خود انعطاف نشان می‌دهد. انعطاف در اسلام خود تاکتیکی دارد در جهت رسیدن به مقصود غایی خود. در قرآن برای حفظ اسلام و تأثیر دعوت از انعطاف مایه می‌گیرد. البته هرگونه انعطاف پیامبر در برابر





مشرکان با دستور وحی انجام می‌گرفت مثلاً وقتی «ابوجهل» به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «ای محمد! دست از دشنام دادن به خدایان ما بردار و گرنه ما نیز خدای تو را دشنام می‌گوییم.» آیه ۱۰۸ سوره انعام نازل شد: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...؛ شما مؤمنان دشنام به آنان که غیر خدا را می‌خوانند ندهید تا مبادا آن‌ها نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند.» از آن به بعد پیامبر از دشنام خدایان جلوگیری کرد و به دعوت آن‌ها به سوی خداوند واحد اکتفا نمود. (طباطبایی، ج ۷، ص ۳۷۵)

۴ - استفاده از نقاط مشترک: استفاده از قدر مشترک در دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلام نمود چشمگیری داشت؛ در آیه ۶۴ سوره آل عمران می‌خوانیم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...» این امر از نامه‌ها و پیام‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سران دولت‌های دیگر جهت ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره، توافق‌های اصولی با آنان و کشاندن آنان به پای میز مذاکره‌ای صلح آمیز به‌خوبی مشهود است. به عنوان مثال می‌توان از نامه‌ی آن حضرت به اسقف روم در قسطنطنیه و نامه‌ی ایشان به نجاشی پادشاه حبشه که در آن‌ها بر مشترکات دین اسلام و مسیحیت اشاره شده است یاد کرد. (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۹) زیرا در اسلام و سیره نبوی اصل در روابط خارجی بر پایه‌ی صلح استوار است و استراتژی جنگ نیز بنا به ضرورت تجویز شده است. پیامبر نیز از سال ششم هجری استراتژی صلح را جایگزین استراتژی جنگ نمود. در استراتژی صلح نقش پیمان‌ها و قراردادهای مهم ارزیابی نمود که در راس آنان صلح حدیبیه قرار داشت.

در اسلام جنگی مشروعیت دارد که منطبق بر شرایط و فلسفه جهاد باشد. هدف واقعی جهاد در اسلام رهایی مستضعفین و محرومانی است که زیر چتر طاغوت گرفتار آمده و از فضای فکری لازم جهت آشنایی با آموزه‌های اسلامی محروم شده‌اند. البته جهادی که به دستور خدایا فرستاده‌ی او انجام شود مشروعیت دارد.

در امر جهاد اجبار به پذیرش اسلام وجود ندارد بلکه حاکمیت اندیشه‌های اسلامی، مبارزه با فساد و هر آنچه که مانع سعادت و کمال بشری است، مورد توجه و برخورد قرار می‌گیرد.

از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، زمانی که راه‌های صلح شرافتمندانه و مسالمت‌آمیز عاقلانه بسته شده باشد جهاد آخرین راه است که دارای ماهیت اصلاحی و در جهت همان دعوت اسلامی است و جنگ‌های توسعه طلبانه و سلطه جویانه مشروعیت ندارد بلکه مورد نکوهش و مذمت قرار می‌گیرد. جهاد در اندیشه قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام ناب، ابزاری است برای وادار کردن متجاوز به رعایت حقوق مادی و معنوی که با استفاده از شیوه‌های منطقی و معقول انجام می‌پذیرد.

(ه) اصل وفای به عهد

وفای به عهد در زمره اصول سیاست خارجی دولت اسلامی قرار دارد. دولت اسلامی موظف است بر اساس آن به کلیه معاهدات و پیمان‌های سیاسی و نظامی بسته شده با دیگر جوامع با دیده احترام بنگرد و التزام و پای بندی خویش را حفظ کند. در برخی آیات قرآن به‌طور مطلق به رعایت پیمان‌ها اشاره شده، و برخی دیگر التزام به پیمان را یک تکلیف و مسؤولیت عنوان می‌کنند؛ همچنین برخی آیات ضمن تأکید بر وفای به عهد و التزام به پیمان‌ها پیامدهای زیانبار نقض پیمان را هم گوشزد می‌کنند. اصل وجوب وفای به عهد و التزام به پیمان‌ها مورد اتفاق مفسران است و همگان به وجوب وفای به عهد و حرمت خیانت و غدر در حق مسلمان و غیرمسلمان اذعان کرده‌اند. (نادیه، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۰۳)

مستندات اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای پیمان‌ها در آیات قرآن عبارت‌اند از:

«وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا؛ مؤمنان کسانی‌اند که چون پیمان بستند به پیمانشان وفا کنند.» (بقره/۱۷۷)

وفای به عهد و پیمان، از نشانه‌های نیکوکاران است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای اهل ایمان، به عهد و پیمان خود وفا کنید.» (مائده/ ۱)

اگر قدرتمندان بواسطه قدرت خود عهد و پیمان را نقض کنند موجب ضایع شدن و نقض عدل اجتماعی می‌گردد و عدل رکن اساسی است که انسان را از بندگی و اسارت نجات می‌دهد و منطق دین حق می‌گوید که رعایت حقوق اجتماعی و عدالت در هر شرایطی واجب است، چون منافع اجتماع در گرو آنست.

اما منطق کشورهای متمدن و مستبد این است که آنچه حفظ آن واجب است منافع امت و جامعه خودشان می‌باشد، اگر چه به موجب آن حق ضایع گردد و به همین جهت است که هر روز می‌شنویم و می‌بینیم که کشورهای قوی حقوق و عهود کشورهای ضعیف را پایمال می‌کنند تا مصالح خود و کشور خود را به قیمت به استضعاف کشاندن ضعیف‌تأمین نمایند. (طباطبایی، ج ۵، ص ۲۵۶)

«الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ؛ کسانی که به عهد خداوند وفا می‌کنند و پیمان حق را نمی‌شکنند.» (رعد/ ۲۰)

عاقلان آناند که به عهد خدا وفا می‌کنند و پیمان حق را نمی‌شکنند.

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ به عهد وفا کنید بی‌گمان از عهد پرسیده می‌شود.» (اسراء/ ۳۴)

از تأکید این آیات به دست می‌آید که مسلمانان باید نسبت به عهود و قرارهایشان کاملاً وفادار باشند گرچه به ضرر مادی آن‌ها تمام شود. در نظر اسلام، پیمان محترم است. در هر شرایط و طرف پیمان هم هر که باشد حتی فاسق یا کافر، مسلمین باید با اعمالشان به دیگران درس انسانیت و فضیلت و دوستی بدهند. (امینی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۴)

فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفاداری بر عهد و پیمان، ایجاد زمینه توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز است تا انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت با یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک بر اساس توافق و اراده مشترک تنظیم گردد. (عمیدزنجانی، ۱۳۶۴، ص ۴۷۶)

(و اصل ولاء

اسلام دینی است که همیشه بر استقلال مسلمانان تأکید ورزیده و از مسلمانان خواسته است تا تحت ولای غیرمسلمان قرار نگیرند چراکه پذیرفتن ولای غیر در حقیقت مشروعیت بخشیدن به آن است و از طرفی باعث ضعف نیروهای انسانی اسلام می‌گردد. از این رو اسلام دوست داشتن کفار را منع کرده است زیرا روابطی که منجر به ایجاد دوستی گردد منجر به فاش شدن اسرار مسلمانان می‌گردد. البته باید در ایجاد روابط شرایط زمانی و مکانی را نیز در نظر گرفت زیرا ممکن است در جایی همین روابط سبب شود تا یک غیرمسلمان در چنبره اسلام قرار گیرد و مسلمان شود.

(ز اصل تولی و تبری

قرآن کریم برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی پیروان خود یک اصل کلی را تحت عنوان «ولایت و برائت» یا «تولی و تبری» تعیین کرده و از آنان خواسته تا این اصل را پایه و محور عمل خود قرار دهند. این اصل به عنوان یکی از فروع اعتقادی اسلام عامل تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی در عرصه سیاست خارجی میان مسلمانان و دیگران است. تولی معنایی بالاتر و عالی‌تر از دوستی دارد و آن پذیرفتن ولایت خدا و اولیای اوست، و خود را مطیع فرمان آن‌ها کردن است، و تبری یعنی زیر بار ولایت غیر خدا نرفتن است. از این رو این اصل می‌تواند عامل مهم تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی باشد و انسان‌ها را از پذیرش ولایت و سرپرستی غیر الهی برهاند.

در بینش اسلامی، مسلمان باید بداند به عنوان جزئی از کل، عضو پیکر جامعه اسلامی است و این مسئله خواه ناخواه شرایط و حدودی را ایجاد می‌کند. همچنین ولاء منفی در اسلام عبارت از این است که مسلمان همواره در مواجهه با غیرمسلمان بداند با اعضاء یک پیکر بیگانه مواجه است و این مسئله ایجاد می‌کند که روابط مسلمانان با آن‌ها محتاطانه باشد. البته این مسئله به معنای قطع ارتباط با غیرمسلمانان نیست. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۹-۱۸)

از این رو دیپلماسی دولت اسلامی نسبت به ملل و کشورهای مسلمان با ملاک نزدیکی آنان به اسلام و میزان تبعیتشان از قوانین اسلامی تعیین می‌شود و در رابطه با کشورهایی که دارای خط مشی سیاسی ظالمانه و تجاوزطلبانه هستند باید دستورالعمل «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا



وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) ملاک و مجوز روابط سیاسی قرارگیرد و با توجه به میزان گرایش‌ها ظالمانه آن‌ها تبری صورت پذیرد. (شکوری، ۱۳۷۷، ص ۵۲۹)

اهداف دیپلماسی سیاسی در قرآن

برخی اهداف دیپلماسی سیاسی در قرآن را که مبتنی بر مبانی و اصول پیش گفته می‌باشد به شرح زیر معرفی نمود:

۱- اعتلای کلمه توحید و حاکمیت آن بر جهان

توحید و تشکیل نظام توحیدی در جهان، هدف اصلی دیپلماسی سیاسی اسلام بوده و دعوت اولیه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دوران دعوت سرّی و علنی بر توحید و یگانگی خداوند استوار بود. روزی که سران قریش سیاست تطمیع را در پیش گرفتند و از ابوطالب خواستند تا از پیامبر بخواهد دست از مخالفت با آن‌ها بردارد، رسول خدا آن‌ها را به توحید و پرهیز از بت‌پرستی فراخواند.

هنگامی که پایه‌های اسلام، در میان بستگان نزدیک پیامبر و سپس در منطقه جزیره العرب قوی و مستحکم شد، پیامبر مأموریت گسترده‌ی خود که همان انداز جهانیان بود را آشکار کرد و به خاطر همین مأموریت بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نامه‌هایی به سران بزرگ جهان آن روز در خارج از جزیره العرب نوشتند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ص ۳۸۱ - ۳۸۰) و به این آیه اشاره فرمودند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...! بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ‌کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم.» (آل عمران / ۶۴)

بنابراین هدف اصلی دیپلماسی سیاسی در اسلام دعوت جهانیان به اصل توحید بوده و تمامی راهبردهای پیامبر برای اعتلای کلمه توحید و حاکمیت آن بر سراسر جهان اختصاص داشته است. (جلیلی، ص ۴۴) براین اساس قرآن کریم تصریح می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...! ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم جهان.» (سبا / ۲۸)

روایات متعددی که در تفسیر آیه مذکور از طرق شیعه و سنی نقل شده، آن را در راستای جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام تفسیر می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۱۰۶ - ۱۰۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ایجاد روابط با قدرت‌های غیرمسلمان داخل و خارج از شبه جزیره، اولین هدف را در بسط و گسترش اندیشه‌های اسلامی در راستای آشنایی دیگر قبیله و در افقی دورتر ملل مختلف با اسلام نهاده لذا با توجه به بعد جهانی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرکت به سمت پذیرفتن اسلام و جهانی شدن تدریجی اسلام از اهداف راهبردی ایشان بوده است.

این رسالت جهانی در آیات مختلف قرآن به آن اشاره شده است که تعدادی از آنان اشاره می‌کنیم:

قرآن مجید در آیه ۱۰۷ سوره انبیا می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ (ای پیامبر) ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.»

خداوند در آیه ۱۵۸ سوره اعراف می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ بگو ای مردم بی گمان من فرستاده‌ی خدا به سوی شما (همه‌ی مردم جهان به هر اندیشه و نژاد و مکان زندگی) هستم.»

در سوره فتح آیه ۲۸ نیز می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ اوست که پیامبر خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گردان...»

اگر چه پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با انحراف در مسیر زمامداری و حکومت در سقیفه و محروم ماندن شایستگی حکومت که از اهداف و پیامدهای آن جریان بود، جهانی سازی اسلام به تعویق افتاد اما به خواست حضرت حق با ظهور حضرت مهدی (عج) جهانی شدن اسلام تحقق خواهد یافت.

۲- اقامه عدل و قسط در جهان و کمال بشری:



برقراری قسط و عدالت را می‌توان به‌عنوان یکی از اهداف مهم دیپلماسی سیاسی اسلام به شمار آورد چنان که فلسفه بعثت پیامبران و تشریح ادیان به‌منظور تحقق قسط و عدل به مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است.

از اهداف مهم رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آنچنان که در قرآن آمده است برقراری عدالت و قسط در در بین مردم است. از جمله این آیات، سوره‌ی حدید آیه ۲۵ است که می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَكَيْعَلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ ما انبیا را با مشعل‌های هدایت به سوی مردم فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان عطا کردیم تا مردم عدل و قسط را به پا دارند».

اذن جهاد به مسلمانان در مصاف با طاغوتیان و ظلم‌کنندگان و رهایی مستضعفین از دست آنان در راستای سعادت و کمال بشری معنا و مفهوم پیدا می‌کند

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عدالت را ضامن بقای جامعه می‌دانستند و توجه و اهتمام فراوان ایشان به آن به‌عنوان یک اصل اساسی در سیاست‌ها و روش آن حضرت حتی در قبل از اسلام نیز مشاهده می‌شود. این رویه در سیاست خارجی آن حضرت در ارتباط با سایر کشورها و اقوام روزگار خود به‌خوبی مشهود است.

هنگامی که دامنه دعوت و حکومت پیامبر گسترش پیدا می‌کند و قبائل و کشورهای خارجی به حاکمیت اسلام در می‌آیند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با آن‌ها با کمال عدالت رفتار و سعی می‌نمایند کوچک‌ترین ظلمی به آن‌ها نشود. (جلیلی، ۱۳۷۴، ص ۵۱) در نوشتارها، قراردادهای و عهدنامه‌های پیامبر به مسیحیان نجران و اسقف نجران و دیگر اسقف‌های آن دیار، چنین می‌خوانیم: به سرزمین ایشان تجاوز نخواهد شد و به آنجا لشگرکشی نمی‌شود و هرکس از ایشان حقی مطالبه کند در کمال انصاف بدون این که بر آنان ستم شود یا ستم‌کننده باشند، بررسی خواهد شد. (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵ و ۳۲۱)

۳ - ابلاغ دین و رساندن آیات الهی

یکی از اهداف دیپلماسی سیاسی در قرآن ابلاغ پیام دین و رساندن آیات الهی به اقصی نقاط جهان بوده است.

«وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ؛ این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که سخنان من در طول تاریخ بشر و پهنه زمان و در تمام نقاط جهان به گوش آن‌ها می‌رسد از مخالفت فرمان خدا بترسانم.» (انعام/ ۱۹)

توجه به کلمه «وَمَنْ بَلَغَ» (به تمام کسانی که این سخن به آن‌ها می‌رسد) رسالت جهانی قرآن و دعوت عمومی و همگانی آن را اعلام می‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۵، ۱۸۰-۱۷۹) بر این اساس یکی از اهداف مهم سیاست خارجی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم دعوت تمامی مردمان آن روزگار به اسلام بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها مردم مکه، حجاز و جزیره العرب را به اسلام دعوت نمود بلکه طبق فرمان خداوند دعوت خویش را حتی به خارج از جزیره العرب از ایران تا روم و مصر و حبشه و دیگر کشورهای وقت رساند. (جلیلی، ۱۳۷۴، ص ۳۶)

۴ - تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی

بنا بر آیات الهی، هدف اسلام همانند سایر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کلیت جامعه انسانی در پهنای گیتی، بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین خاطر این ادیان و از جمله اسلام، همه حکومت‌ها و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرا می‌خوانند همچنان که از همان آغاز رسالت پیامبر اسلام، ایشان به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و ... نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بسیاری از نامه‌ها و از جمله نامه خود به کسری، شخصیت و رسالتش را چنین معرفی می‌کند: من پیامبر خدایم که به سوی همه مردم جهان فرستاده شده‌ام تا هرکسی را که زنده است هشدار دهم. (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ص ۹۰)

رویکرد جهان شمول دیپلماسی سیاسی اسلام علاوه بر سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای مستندات قرآنی نیز هست. (انعام/ ۱۶۵)



از جمله در تعالیم اسلامی از کره زمین به بیت و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر زاد، رنگ و زبان و ملیت و طبقه ای، مالک این خانه به حساب آمده است.

۵ - نفی سلطه‌ی مستکبران و دفاع از مظلومان

یکی از اهداف متعالی اسلام تحت لوای حکومت جهانی اسلام، از بین بردن ظلم و فساد در بین مردم است. از جمله آیات قرآن که در این باب می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ» به آنان که ظلم پیشه می‌کنند، تکیه نکنید که آتش آنان و شما را خواهد گرفت.» (هود/۱۱۳)

آیه شریفه از همنشینی و نزدیکی با ستمکاران نهی می‌نماید، چون مصاحبت با آن‌ها باعث رضایت به اعمال ایشان و تشبه به آنان و اطاعت از راه و روش آن‌ها می‌گردد و تمایل شما نسبت به آنان موجب جهنمی شدن شما می‌گردد، چون اعتماد و تمایل به آن‌ها ظلم است و عاقبت ظلم هم دخول در آتش و تماس با آن است (گویا ظلم خود آتش است و لذا تمایل و رکون به ظلم، تماس با آتش خواهد بود) و آنگاه هر چه خدا را بخوانید، شما را اجابت نمی‌کند و یاریتان نمی‌نماید، در نتیجه ابدای یاری نمی‌شوید و سرانجام کارتان ناامیدی و خسران و خذلان خواهد بود.

و آیه:

«فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به امر خدا، هر فردی را که گردن به احکام الهی نهد مجبور به تسلیم کند و اگر تسلیم نشد مسلمانان را بر جنگ او تحریک نماید تا او را وادار به تسلیم در برابر احکام الهی نمایند. از طرف دیگر فطرت الهی خودآنان است که علیه عمل زشت آن‌ها شورش می‌کنند و خواب راحت را از آنان سلب می‌نماید و دودمانشان را ویران می‌کند.

استقرار جامعه مطلوب اسلام و روابط انسانی مقبول دین مستلزم روابط اجتماعی و بین‌المللی سالم و به دور از ظلم و تعدی است. جامعه‌ای که به سوی سعادت حرکت می‌کند ناگزیر است هر نوع روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز را نفی و به جای آن روابط سالم و به دور از ظلم و رعایت حقوق همگان را جایگزین کند. (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۴۴) از این رو دین اسلام نه تنها ظلم را منع می‌کند بلکه پذیرش ظلم و زیربار ظلم رفتن را نیز محکوم می‌کند و برای آن مجازاتی سخت قائل می‌شود.

از سوی دیگر سلطه کفار بر مسلمانان موجب حقارت و پستی و ذلت مسلمانان در برابر غیرمسلمانان خواهد شد که این نیز با اهداف عالی اسلام و رسالت نبوی مغایرت کامل دارد زیرا قرآن، پیامبر مکرّم خویش و مسلمانان را دارای عزت معرفی می‌کند: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون/۸) طبق این آیه عزت برای خدا و پیامبر و مسلمانان است پس علی القاعده راه هرگونه تسلط و نفوذ و برتری تشریعی کفار بر مسلمانان نفی شود و یکی از نشانه‌های کامل بودن دین نیز همین است.

۶ - ایجاد امنیت و صلح

گفته شد که یکی از مهم‌ترین اهداف ارسال پیامبران برقراری قسط و عدالت است و این مسئله در معنای واقعی خود، صلح و امنیت را به همراه خواهد داشت. از این رو نوعی تلازم و رابطه دو سویه میان استقرار صلح و عدالت وجود دارد چنان‌که جنگ و تخاصم، ناشی از تعدی، برتری جویی و تمامیت‌خواهی است. در شرایطی که این مسائل تعدیل و تحت کنترل درآمد جامعه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قرین خواهد بود. (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۸۱ و ۱۷۵)

قرآن کریم بعد از اشاره به دو گروه مؤمنان بسیار خالص و منافقان مفسد، مؤمنان را به صلح و سلام و تسلیم در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً..» (بقره: ۲۰۸)





از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی، به صلح و صفا دعوت می‌کند، استفاده می‌شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار گردد، امکان‌پذیر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۲)

از این رو پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی، خطوط صلح و امنیت عمومی را ترسیم می‌کردند و خودشان نیز در کشمکش‌های خارجی، خطوط ترسیم شده را مجسم می‌ساختند چنان که اعمالی که در فتح مکه انجام دادند می‌تواند روش حکومت اسلامی را در مقابل دشمن مغلوب روشن سازد. (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۶۰۵)

همچنین آن حضرت برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافق‌های اصولی و کشاندن آن‌ها به مذاکرات صلح آمیز از توافقی‌های جزئی در مورد قدر مشترک‌ها صرف نظر نمی‌کردند و با توافق در زمینه مسائل فرعی راه را برای رسیدن به توافقی‌های اصولی‌تر و بیشتر هموار می‌کردند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۴، ص ۲۴۹)

به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که اهداف دیپلماسی سیاسی اسلام دارای دو ویژگی است:

ویژگی‌های عام و ویژگی‌های خاص

اهدافی نظیر تأمین امنیت و تعمیق آن، حفظ تمامیت ارضی، رشد و توسعه اقتصادی و ... در زمره اهداف عام و مشترکی است که دولت اسلامی مدینه در پی تحصیل آن بود. تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ایجاد امنیت و تعمیق آن در فضای نا امن جامعه آن روزگار و برنامه‌های ایشان برای رسیدن به توسعه اقتصادی در این راستا قابل تحلیل است. اگر چه می‌بایست این نکته را متذکر شد که در همه این اهداف، تعبیر و تفاسیر مبتنی بر احکام دین و قرآن کریم حاکم بود لذا مکانیزم اجرایی تحقق این اهداف با سایر کشورها متفاوت بود.

از سوی دیگر اهدافی نظیر تشکیل نظام توحیدی، عدالت گستری، نفی سلطه، دفاع از محرومان و مستضعفان و احیاء حاکمیت فضیلت‌ها و ارزش‌های معنوی و دینی در زندگی بشر، تکریم انسان و سعادت او، ظلم ستیزی و ... به‌عنوان اهداف خاص و ویژه در سیاست خارجی دولت اسلامی در مدینه مشاهده می‌شود.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که نشان می‌دهند که دیپلماسی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر این اهداف استوار می‌باشد:

۱- حاکمیت دین و دستورها و آموزه‌های وحیانی در جامعه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/ ۵۵)

اسلام، دین آینده‌ی جهان است. آینده‌ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه‌ی کافران است.

۲- ایجاد امنیت اجتماعی: «... وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (نور/ ۵۵)

هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است.

۳- گردش و توزیع منابع تولید و ثروت از راه‌های مختلف مانند گردآوری زکات: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/ ۴۱)

زکات مظهر ارتباط فرد با جامعه اوست.

۴- ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای رشد و تعالی همه افراد جامعه از طریق جامعه پذیری و امر به معروف و نهی از منکر: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/ ۴۱)

دعوت به ارزش‌ها و هشدار از ضد ارزش‌ها یک وظیفه انسانی و اسلامی است و بر همگان لازم است که در زندگی از بهترین و شایسته‌ترین راه‌ها به انجام این وظیفه قیام کنند.

۵- حکومت و حاکمیت دادن به مؤمنان و اجرای شعائر اسلامی به‌طور علنی و آزاد: (حج/۴۱)

۶- شرک ستیزی و نمادهای کفر و نابهنجاری‌های برخاسته از آن: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/ ۵۵)

۷- فراهم آوری آسایش و رفاه و اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل‌های بشری: «وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ». (بقره/ ۲۰۵)

صداقت در اظهار دوستی و محبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم موجب می‌شود هرگز دست به فساد و تخریب نزنند، و گرنه بی‌رحم‌ترین، و سرسخت‌ترین دشمنانند.

دین اسلام برای عملی شدن این اهداف از سازوکارهای متعددی بهره می‌برد برخی از این ساز و کارها عبارت‌اند از:

- ۱- دعوت به اسلام به‌عنوان اساسی‌ترین راهبرد مکتب، تا همه گروه‌های بشری به نهضت جهانی اسلام و امت واحد خداجو بپیوندند.
- ۲- ایجاد وحدت بین جوامع بشری برای رسیدن به امت و حکومت واحد در سایه قانون الهی.
- ۳- تفاهم به‌وسیله رسیدن به توافقات نسبی تا راه را برای جامعه واحد بشری هموار کند.
- ۴- صلح توأم با قدرت که موجب جلب حمایت دیگران و کمک به کل بشر در جهت رسیدن به آرامش زندگی است.
- ۵- ایجاد امنیت از طریق تخفیف فشار دشمنان و تقلیل شرارت و شیطنیت آنان که راحتی خود را در اسارت و زجرکشی دیگران می‌دانند.
- ۶- آمادگی رزمی و تجهیز نظامی کامل برای دستیابی به یک واکنش سریع و عملیات برتر نظامی به‌منظور اربعاب دشمن.
- ۷- تألیف قلوب از طریق کمک‌های مادی برای جلب تمایل و همکاری کسانی که جز از راه کمک‌های مادی نمی‌توان از نیرویشان سود برد و از شرشان در امان ماند.
- ۸- سرانجام جهاد به‌عنوان آخرین راه حل برای باز کردن راه پیشرفت نهضت جهان شمول اسلام و برداشتن موانع و سد راه‌هایی که دشمنان آزادی بشر و سران کفر و استکبار بر سر راه رهایی انسان‌ها به وجود آورده‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۶)

نتیجه گیری

شناخت ابعاد مدیریتی و رفتاری دیپلماسی سیاسی اسلام در روابط خارجی، امری لازم و ضروری است. به‌ویژه از این نظر که علی‌رغم ساختار پیچیده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اعتقادی جزیره العرب و مشکلات فراوان و فشارهای طاق‌فرسای آن در عصر ظهور اسلام این دین الهی به فراسوی مرزهای عربستان گسترش پیدا کرد و با به‌کارگیری شیوه‌های مناسب دیپلماسی، توفیق یافت تا در مدتی کوتاه، علاوه بر توسعه‌ی اسلام، بر بدنه‌ی تمدن‌های بزرگ آن زمان نیز لرزه بیفکند.

دین مبین اسلام از همان آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبنای دستورات و قوانین و اساس دعوت به توحید خود را بر پایه‌ی علم و عقل گذارد و از روش چانه‌زنی، استدلال منطقی و عقلایی و به زبان امروزی "دیپلماسی" استفاده نمود، و نه تنها بر برخی از قوانین دیپلماسی و رفتار سیاسی رایج و متداول آن روزگار صحه گذارد، بلکه اصولی متقن و الهی جهت اعتلای انسان و فهم دستورات قرآن کریم بر آن‌ها افزود که بسیاری از آن‌ها معیار منشور حقوق بشر در جهان گردید.



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منابع حقوقی دیپلماسی را با تکیه به وحی و استمرار از عقل کامل نمود، اصل نفی بندگی غیر خداوند را جهان گسترده کرد، همزیستی مسالمت آمیز انسان ها را ترویج داد، رعایت احترام متقابل و نزاکت بین المللی را اصل مورد اعتنا در حقوق بین الملل نمود و اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمان ها را از اصول مسلم مورد اعتنای اسلام خواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شیوه های سیاسی حل اختلافات در دیپلماسی که عبارت بودند از مذاکره و حکمیت و داوری را با به کارگیری اصول الهی و دستورات قرآنی کامل گردانید و با اتخاذ استراتژی دعوت و صلح، ثابت نمود که اسلام دین منطقی و عقل است و جهاد در راه خدا، تنها در بن بست رسیدن راه حل های دیپلماسی کاربرد دارد و اصالت در دیپلماسی اسلام با صلح و دعوت است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با اتخاذ مکانیزم های اجرایی دیپلماسی خود، مانند مذاکره و فرستادن نمایندگان، اعزام مبلغان و ارسال پیام به سران دولت ها و قبایل، انعقاد پیمان ها و قراردادهای سیاسی، حکمیت و تألیف قلوب، راهکارهای جدیدی پیش روی انسانیت و کمال و اعتلای مقام آدمیت گذارد.

مطالعه و بررسی اصول دیپلماسی سیاسی از دیدگاه قرآن کریم مستلزم آن است که رابطه دین و سیاست مفروض انگاشته شود. در چارچوب اندیشه جدایی دین و سیاست زمینه ای برای طرح این بحث باقی نخواهد ماند.

دیپلماسی سیاسی در قرآن ناظر به چارچوب کلی و کلان رفتار خارجی دولت اسلامی است و روابط خارجی مسلمانان با جوامع غیراسلامی را تنظیم می کند. قرآن کریم مشتمل بر مسائل اعتقادی و اجتماعی و سیاسی است و از برخی آیات آن می توان اصول دیپلماسی سیاسی را استخراج کرد.



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه‌ی فرهنگی-تبلیغاتی امیرالمؤمنین علیه السلام چاپ اول، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱. ابن بابویه، محمد، ۱۳۶۱، من لا یحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲. ابن هشام، ۱۳۴۱، سیره النبی، ترجمه: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران، اسلامیه
۳. ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، دارالحیاء التراث العربی
۴. احمدی میانجی، علی، ۱۳۶۳، مکاتیب الرسول، قم، یس
۵. امینی، ابراهیم، ۱۳۶۴، سیاست خارجی حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳-۴ بهمن
۶. ابو الحمد عبد الحمید، ۱۳۶۸، مبانی سیاست، تهران: توس
۷. جلیلی، سعید، ۱۳۷۴، سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
۸. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۷، سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی، تنظیم و تلخیص: محمد رضا جوادی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۹. خمینی، روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۰. خمینی، روح الله، بی تا، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۱. سبحانی، جعفر: مبانی حکومت اسلامی، ترجمه: داود الهام، قم، مؤسسه علمی فرهنگی سیدالشهداء
۱۲. سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۸۱، اصول سیاست خارجی در قرآن، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز
۱۳. شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۷، فقه سیاسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۴. شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۷۱، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ پنجم
۱۶. الطبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو
۱۷. طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۳ ق، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه
۱۸. عالم، عبدالرحمان، ۱۳۷۶، مبانی علم سیاست، تهران، انتشارات مهر،
۱۹. عبدوس، محمدتقی، محمد محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۶، آموزه‌های اخلاقی-رفتاری امامان شیعه، موسسه بوستان کتاب قم، چاپ سوم
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ عمید، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۴، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، امیرکبیر
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، صدرا
۲۳. شهید مرتضی مطهری، بی تا، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا



شماره اول / پاییز ۱۳۹۴
فصلنامه

19

۲۴. موسوی، سید محمد، ۱۳۸۲، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، باز

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۸۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه

۲۶. نادیه محمود مصطفی، ۱۹۹۶ م، المدخل المنهاجیه فی العلاقات الدولیه فی الاسلام، المعهد العالمی للفکر الاسلامی

حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم ع. خواجه‌هران



فصلنامه
شماره اول / پاییز ۱۳۹۴

W